

علم أصول الفقه

٢١-١٢-٨٩ تعريف علم اصول فقه ٦٤

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مبادی تصویری

فصل اول: تعریف علم اصول

فصل دوم: موضوع علم اصول

فصل سوم: نسبت بین علم اصول و سایر علوم

فصل چهارم: اعتباریات

فصل پنجم: حکم

فصل ششم: امثال

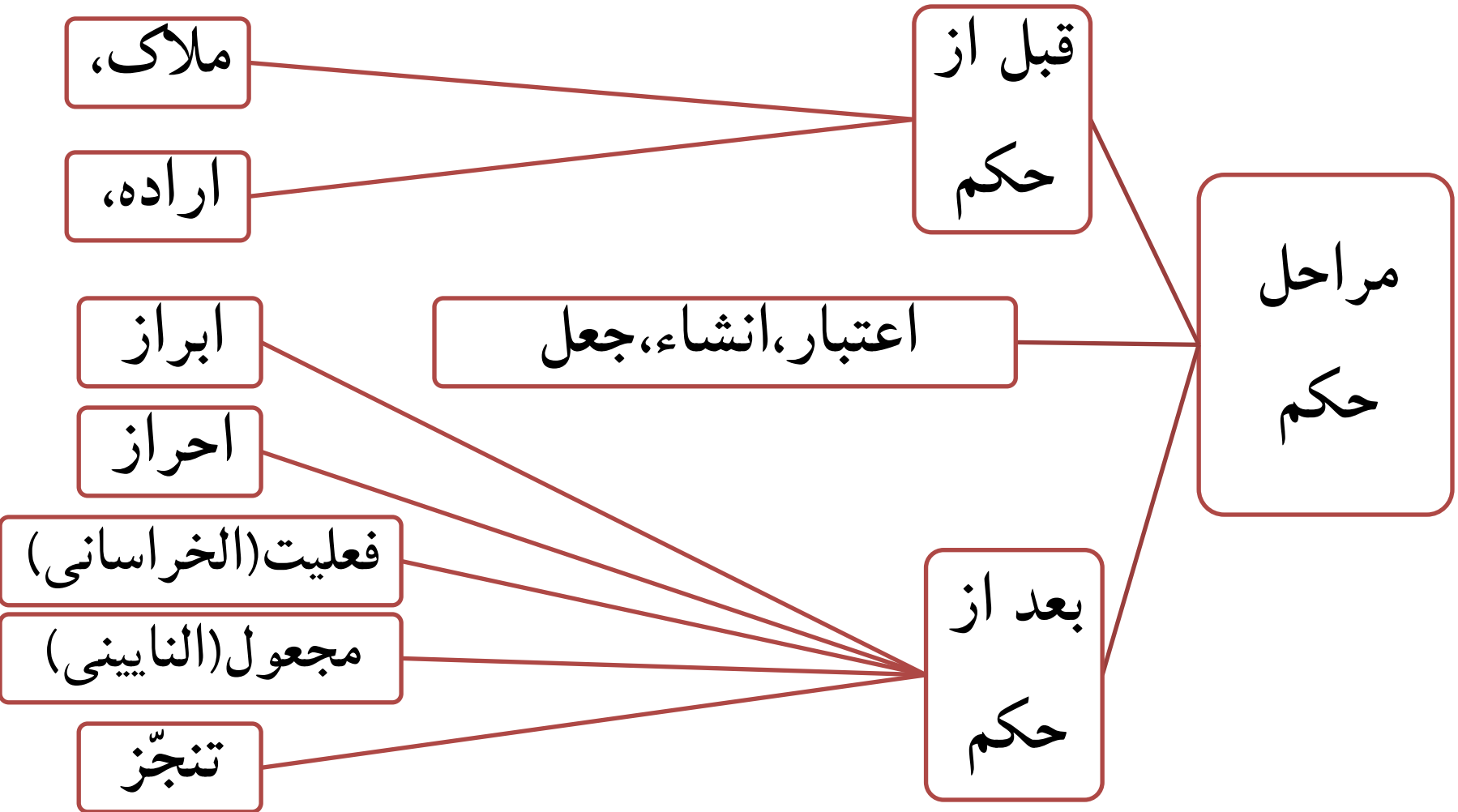
فصل هفتم: موضوع و متعلق حکم

فصل هشتم: نسخ

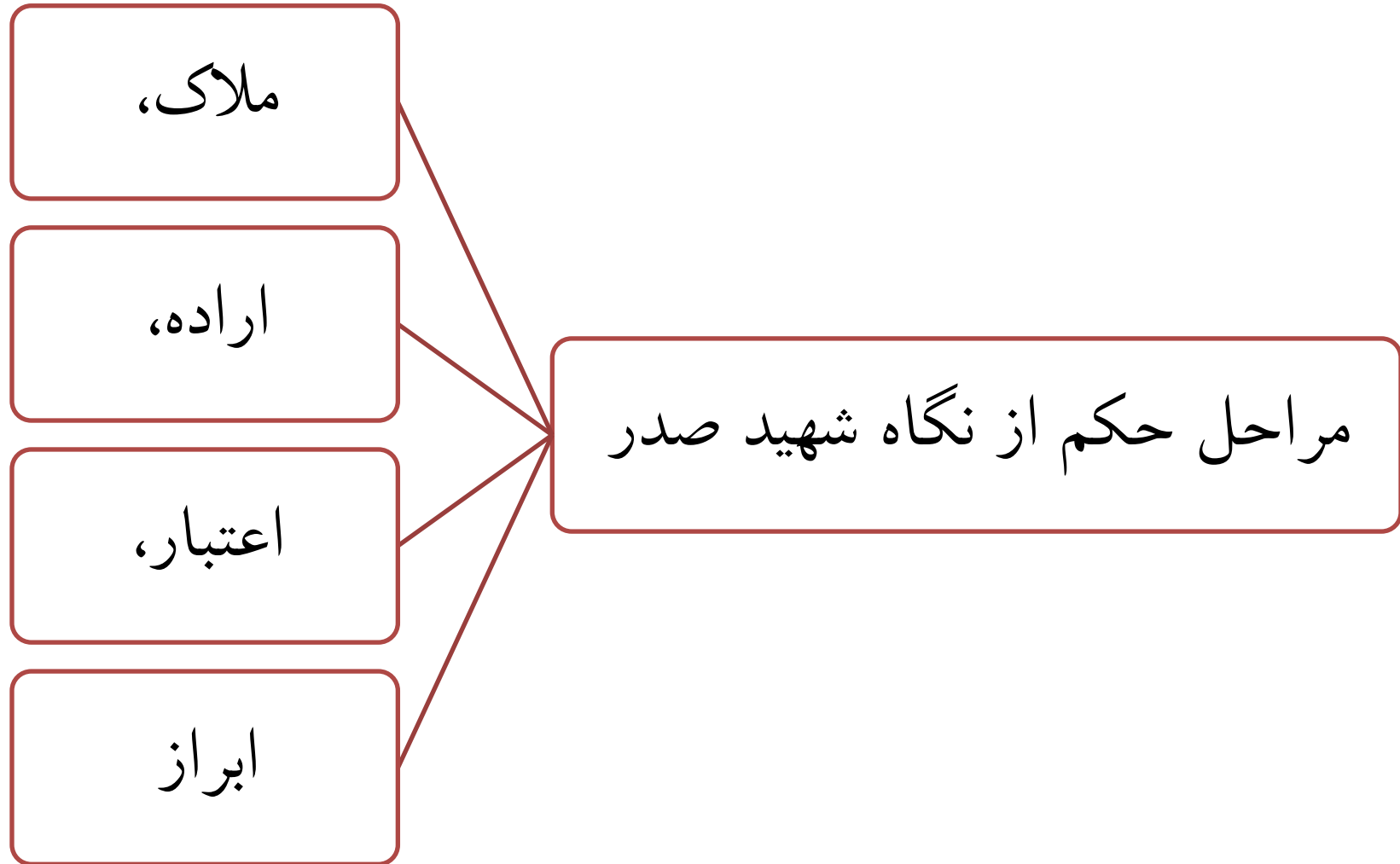
فصل نهم: حجت

فصل دهم: استنباط

مراحل حکم



مراحل حکم



مراحل حکم

● ج. عدم ضرورت اعتبار در نزد شهید صدر:

● شهید صدر نکته‌ای را در مراحل حکم بیان می‌کند که جای بسی تأمل است. در نظر وی در مراحل حکم، اعتبار، یک امر ضروری نیست. حکم شرعی حتماً باید ملاکی داشته باشد، حکم بی-ملاک میسر نیست و حتماً باید مولی اراده‌ای نسبت به آن داشته باشد، مولی حکم بدون اراده صادر نمی‌کند؛ اما اعتبار عنصر ضروری نیست. شارع از آن روی اعتبار می‌کند که می‌بیند عقلاً در روش عادی و متعارف خود چنین می‌کنند. عقلاً عادت به اعتبار دارند. شارع نیز همان روش را پی می‌گیرد؛ بدون این که ضرورتی وجود داشته باشد.

مراحل حکم

- اما آیا حکم شرعی می تواند بدون اعتبار شارع تحقق یابد؟ به عبارت دیگر آیا شارع می تواند بدون اعتبار به مکلفان جهت دهد؟
- همان گونه که علامه در اعتباریات فرمودند: چنین چیزی ممکن نیست. اعتباریات، مفاهیمی ضروری هستند که ما ناچاریم برای دست یابی به کمالات ثانوی، آنها را جعل کنیم، بسازیم و اعتبار نماییم.

مراحل حکم

- بنابراین شارع برای جهت دان چاره‌ای جز این دو راه ندارد:
- ۱. شارع کاری کند که مکلفان خود به خود کاری را انجام دهند یا از چیزی اجتناب کنند، یعنی تکویناً آنها را جهت دهد. مثلاً دست آنها را بگیرد و به سمتی براند یا آنها را نگه دارد.

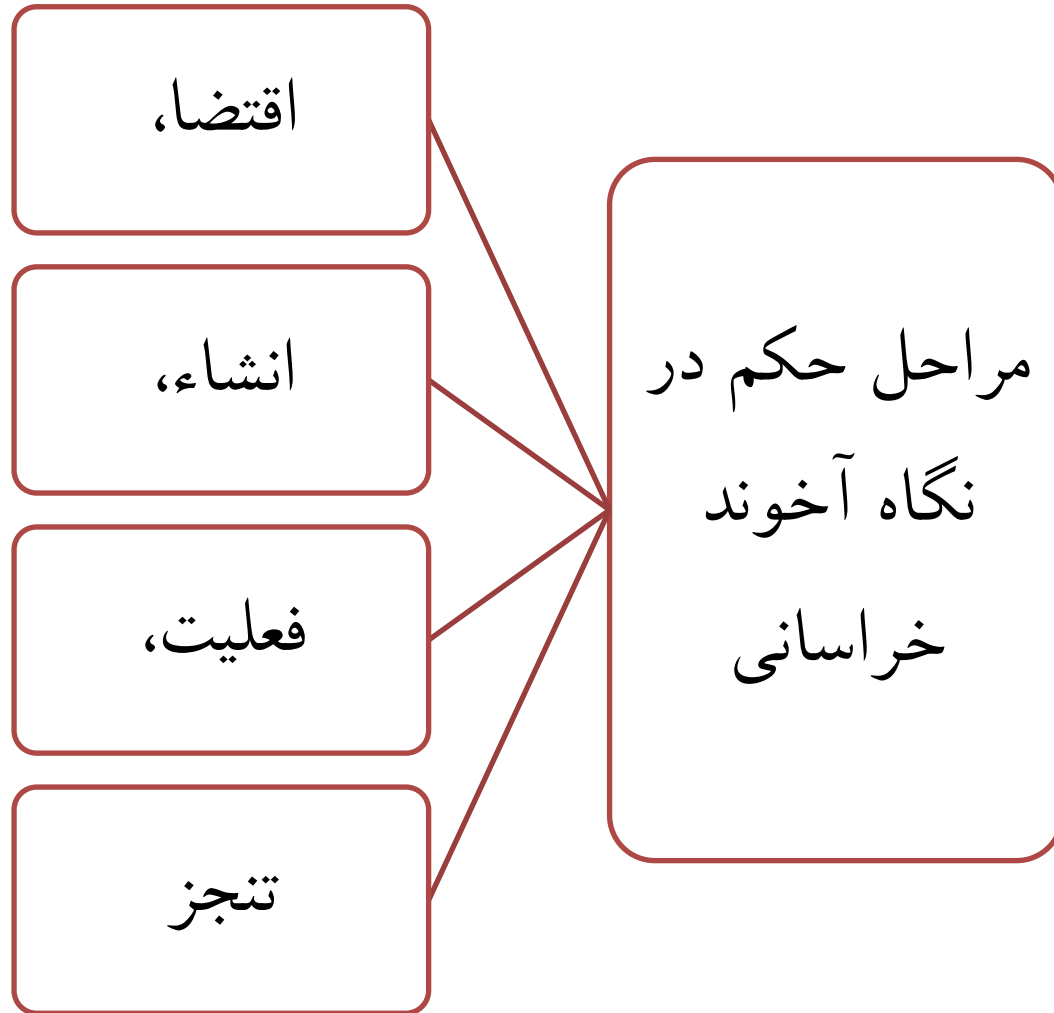
- مسلماً چنین چیزی از اراده‌ی مکلفان خارج است و منشأ کمال آنها نیست. اگر شارع از این راه بهره می‌جست، مکلفان مضطر به انجام یا ترک بودند و کار، قهری صورت می‌گرفت، در نتیجه موجب کمال هم نبود.

مراحل حکم

- همچنان که عمل تنفس یعنی جذب اکسیژن از طریق ریه و ورود آن به خون، یک عمل قهری است که انسان هیچ اراده‌ای نسبت به آن ندارد. او نمی‌تواند جلوی ورود اکسیژن به خون را بگیرد. قهراً این عمل هیچ اثری در کمال انسان ندارد.

- ۲. شارع با حفظ اراده به مکلف جهت دهد. در این صورت چاره‌ای جز اعتبار ندارد و نمی‌تواند از آن اجتناب کند. همان گونه که علامه فرمود، در حوزه‌ی اعتباریات است که اراده محفوظ می‌ماند.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی



مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- اما مقصود آخوند از فعلیت عبارت است از این که در نفس ولوی یا علوی، اراده‌ی عمل به حکم پیدا شود.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- برای توضیح فرمایش مرحوم آخوند آن را به مثال زیر تشبیه می‌کنند:
- فرض نمایید که یک مجمع قانون گذاری بشری مثل مجلس شورای اسلامی در صدد اعتبار حکمی است.
- ابتداءً مجلس ضرورت تحقق یا عدم تحقق چیزی را ادراک می‌کند، یعنی در می‌یابد که تحقق یا عدم آن، مصلحت یا مفسده‌ای دارد. مجلس در این مرحله، در مرحله‌ی اقتضا یا ملاک می‌باشد.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- مجلس بر اساس آن مفسده یا مصلحت حکمی را جعل می‌کند و بدین ترتیب به تعبیر مرحوم آخوند در مرحله‌ی انشاء قرار می‌گیرد.
- وقتی مجلس، قانون را ابلاغ می‌کند تا اجرا گردد، مجلس در مراحل قانون گذاری به مرحله‌ی فعلیت حکم رسیده است. در اعتبار شارع نیز فعلیت به همین معنا است. وقتی مولی می‌خواهد که حکم اعتبار شده‌اش، به اجرا در آید، می‌گوییم: حکم فعلیت یافته است.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- اگر این تشبیه و تمثیل را بپذیریم، مرحله‌ی فعلیت در اصطلاح آخوند همان مرحله‌ی ابراز حکم خواهد بود که در قبل از آن یاد کردیم
- و باید توجه داشت که وقتی آخوند می‌گوید: در نفس ولوی یا علوی اراده‌ای برای اجرای حکم پیدا می‌شود، اراده‌ی بعد از اعتبار مورد نظر است، نه اراده‌ی قبل از اعتبار که در مراحل حکم ذکر نمودیم.
- بعد از جعل حکم، شارع اراده می‌کند که آنچه جعل کرده، تحقق خارجی بیابد.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- اما در واقع مقصود آخوند از فعلیت، نه اعتبار (که از آن تعبیر به انشا کردند) است و نه حتی ابراز اعتبار.
- بلکه مقصود وی چیزی است که معمولاً ملازم ابراز است. وقتی مولی حکم را اعتبار کند و بعد آن را اعلام نماید، ظاهر این اعتبار و ابراز این است که واقعاً می‌خواهد حکم اجرا شود.
- اگر نمی‌خواست، اعلام نمی‌کرد. از این روی اگر مولی ابراز کند، ولی بعد صریحاً بگوید: خواهان اجرای حکم نیست، یا بدانیم که اگر چه مولی حکم را ابراز کرده، قصد اجرا و تحقق حکم را در خارج ندارد، این حکم به مرحله‌ی فعلیت نرسیده است.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- فعلیت مرحوم آخوند، نکته‌ای است که بر فرض تصور چنین مرحله‌ای، مقبول می‌باشد. یعنی اگر بعد از اعتبار و ابراز، باز برای مولی این مجال وجود داشته باشد که نخواهد حکم اعتبار شده و ابراز شده تحقق یابد (به عبارت دیگر خواستن و نخواستن مولی هم در اینجا مجال پیدا کند)، بدون شک این حکم بر مکلف منجز نخواهد شد.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- همانند رئیسی که حکمی اعتبار کرده و اعلام هم نموده؛ ولی به صراحت گفته یا کسانی که از حکم اطلاع دارند، می‌دانند که هنوز زمان اجرای حکم فرا نرسیده است و رئیس هنوز خواهان اجرای آن نیست. بدون شک مرئوسان در مقابل این حکم مسئولیتی ندارند و حکم بر آنها منجز نیست. بدین ترتیب فعلیت، مرحله‌ای بین ابراز و تنجز خواهد بود.

جعل و مجعول

- اصطلاح دیگری هم در بحث مراحل حکم مطرح شده است که موروث مرحوم نائینی می باشد.
- در نظر وی حکم دو مرحله دارد:
- ا. مرحله‌ی جعل
- ب. مرحله‌ی مجعول.

جعل و مجعول

- مقصود از مرحله‌ی جعل، مرحله‌ای است که مولی حکمی را اعتبار می‌کند؛ ولی حکم او اختصاص به موضوع موجود در خارج ندارد.
- و مقصود از مرحله‌ی مجعول، مرحله‌ای است که موضوع در خارج تحقق پیدا می‌کند.

جعل و مجعول

- توضیح این دو تعریف به شرح زیر است:
- می‌دانیم اعتبارات شرعی از قبیل قضایای حقیقی است. یعنی برای موضوع مفروض الوجود اعتبار می‌شود؛ نه برای موضوعات خارجی.
- مثلاً اگر شارع می‌گوید: لا تشرب الخمر، حکم او اختصاص به شراب‌های موجود در ظرف جعل وی ندارد. خمرهایی که در آینده تحقق می‌یابند و در ظرف حکم وجود ندارد، نیز مشمول حکم هستند.

جعل و مجعول

- البته توجه داریم که حتی احکام بشری نیز از قبیل قضایای حقیقی است.
- اختصاص قانون به موضوعات خارجی و جعل آن به شکل یک قضیه‌ی خارجی، اگر چه هیچ استحاله‌ی عقلی ندارد، ولی خلاف مشی متعارف قانون گذاری است.

جعل و مجعول

- مرحله‌ی جعل در این اصطلاح، مرحله‌ای است که حکم به شکل قضیه‌ی حقیقی اعتبار شود.
- بنابراین وقتی در این مرحله مولی بگوید: لا تشرب الخمر، حکم او ناظر به افراد خمر که در ظرف جعل و اعتبار موجودند، نیست. هر شرابی را، اگر چه در آینده تحقق یابد، در بر می‌گیرد و هر مکلفی، اگر چه در آینده تکلیف متوجه او باشد، در قبال حکم مسئولیت دارد.

جعل و مجعول

- مرحله‌ی مجعول، آن مرحله‌ای است که موضوع در خارج تحقق پیدا می‌کند. یعنی ممکن است در ظرف اعتبار مولی، این موضوع اصلاً مصداق نداشته باشد. در این صورت فقط مرحله‌ی جعل تحقق دارد.

جعل و مجعول

- آنگاه که موضوع در خارج مصداق پیدا می‌کند، حکم به مرحله‌ی جدیدی وارد می‌شود که به آن مرحله‌ی مجعول می‌گوییم.
- وقتی مولی می‌گوید: لا تشرب الخمر، آن هنگام که شرابی در خارج نیست، این حکم در یک مرحله (مرحله‌ی جعل) می‌باشد.
- وقتی شراب در خارج تحقق بیابد، لا تشرب الخمر وارد مرحله‌ی مجعول می‌شود.

جعل و مجعول در نگاه شهید صدر

- شهید صدر جعل و مجعول را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کند. تفسیر وی مبتنی بر یک مقدمه‌ای است:
- آن مفاهیم ذهنی که دارای مصداق خارجی هستند به دو لحاظ قابل تصورند، یعنی از دو منظر می‌توان به آنها نگریست:
- ۱. از این منظر که مفهوم در ذهنند یعنی یک مفهوم ذهنی-اند.
- ۲. از جهت مصداقی که در خارج دارند. یعنی نظر به مفهوم آب مثلاً از آن جهت که مرآت و آینه‌ی مصداق خارجی است، داشته باشیم.

جعل و مجعول در نگاه شهید صدر

- در نظر اول، آب مثلاً به عنوان یک مفهوم در ذهن انسان مورد نظر است که در تعبیر فلسفی و منطقی به آن، آب به حمل اولی می‌گوییم. همین آب با لحاظ مصداق خارجی‌اش، آب به حمل شایع خواهد بود.

جعل و مجعول در نگاه شهید صدر

- اعتبار مولی، یک امر ذهنی است. آن اعتبار قابل نظر به دو لحاظ می‌باشد. از یک جهت، اعتبار، امری در ذهن مولی است و از جهت دیگر مرآت خارج است و حکایت از آن واقعیت می‌کند. قضیه‌ی لا تشرب الخمر یا الخمر حرام، از یک جهت در ذهن مولی است و از جهت دیگر حکایت از حکم شرابی دارد که در بیرون موجود است یعنی خوردن شرابی که در خارج تحقق می‌یابد (و نه مفهوم شراب)، امری است که شارع حکم به حرمتش می‌کند.

جعل و مجعول در نگاه شهید صدر

- به اعتبار از آن جهت که در ذهن مولی و یک صورت ذهنی است، جعل می‌گوییم و از آن جهت که حکایت از خارج می‌کند، مجعول می‌نامیم. یعنی جعل و مجعول در دیدگاه شهید صدر در واقع دو مرحله نیست، بلکه دو لحاظ نسبت به اعتبار مولی است.